



Article Type: Research paper

The Function of "Lacla and Mouffe" Discourse Theory in Strengthening the External Deepening of the Islamic Revolution

*Pejman Norouzi¹, Mehdi Firouzkouhi²

1. PhD in Regional Studies, Imam Hussein University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Regional Studies, Imam Hussein University, Tehran, Iran

Article Info.

Received: 2023/11/23

Accepted: 2023/12/26

Available Online: 2025/6/10

Keywords:

Deepening, Discourse, Laclau and Mouffe, Islamic Revolution, Discourse-making.

* Corresponding Author:

Pejman Norouzi, Ph.D.

Address: Ph.D. in Regional Studies, Imam Hussein University, Tehran, Iran

E-mail:

pejman.n13@chmail.ir

Abstract

The discourse of the Islamic Revolution, after appearing in the world arena, is my power; the source of serious effects in the change of power occurs at the levels of congruent and incongruent environments. The need to continue this is to strengthen the external deepening of the Islamic Revolution. The key point of this research is that the rockets and drones of J.A. cannot lead to the strengthening of Islamic energies because our competitors can shorten it. In fact, firing was a highly advanced discourse effect of rocket firing. Therefore, this research asks, how can the external deepening of the Islamic revolution be strengthened in homogeneous and heterogeneous environments by using the discourse theory of Laclau and Mouffe? It is that by calling the discourse theory of Laclau and Mouffe on the table of re-reading and sculpting this theory, it presents a model for strengthening the external deepening of the Islamic revolution, and this model includes: the strategy of discourse creation and six strategies of "capability and authorization". "Alienation and identification", "ideology", "legitimization and legitimacy", "mythology" and "advanced transitionalism" have been each of these solutions. Completion has been a part of the puzzle of strengthening the external deepening of the Islamic Revolution, which is designed based on discourse creation. This research is developmental-applied. He also used the library and survey method to collect information.

How to Site:

Norouzi, Pejman and Firouzkouhi, Mehdi. (2025). The Function of "Lacla and Mouffe" Discourse Theory in Strengthening the External Deepening of the Islamic Revolution. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(1), 316-350.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

کارکرد نظریه گفتمان «لاکلا و موف» در تقویت عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی

* پژمان نوروزی^۱، مهدی فیروزکوهی^۲

۱. دانش آموخته دکترای مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه امام حسین(ع)، تهران، ایران
۲. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه امام حسین(ع)، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴ مهر ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۵ دی ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۲۰ خرداد ۱۴۰۴

چکیده

گفتمان انقلاب اسلامی پس از حضور در عرصه منازعات جهانی قدرت، توانسته است منشأ تأثیرات جدی در تغییر معادلات قدرت در سطوح محیط‌های متجانس و غیرمتجانس واقع گردد. لزوم تداوم این امر تقویت عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی است. نکته کلیدی که این پژوهش بر آن تأکید دارد، آن است که برد موشک‌ها و پهبادهای ج.ا.ا. به تنهایی نمی‌تواند موجبات تقویت عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی را فراهم کند و در ضمن رقبا می‌تواند اثرگذاری آن را کم نمایند. در واقع تولید یک اثر گفتمانی بسیار موثرتر از شلیک موشک خواهد بود. بنابراین، این پژوهش با سؤال، چگونه با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موف می‌توان موجبات تقویت عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی را در محیط‌های متجانس و غیرمتجانس فراهم کرد؟ به دنبال آن بوده است که با فراخواندن نظریه گفتمان لاکلا و موف بر سر سفره بازخوانی و پیکرتراشی از این نظریه، الگویی را برای تقویت عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی ارائه کند و این الگو شامل: راهبرد گفتمان‌سازی و شش راهکار «قابلیت دسترسی و اعتباریابی»، «غیریت‌سازی و هویت‌بخشی»، «ایدئولوژی‌سازی»، «مشروعیت‌سازی و مشروعیت‌نمایی»، «اسطوره‌سازی» و «انتقال‌گرایی پیش‌تازانه» بوده است که هر کدام از این راهکارها به تناسب خود، مسئولیت تکمیل بخشی از پازل تقویت عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی را که بر اساس گفتمان‌سازی طراحی شده، برعهده داشته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و برای گردآوری اطلاعات نیز از روش کتاب‌خانه‌ای و اسنادی، استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها:

عمق بخشی، گفتمان، لاکلا
و موف، انقلاب اسلامی،
گفتمان‌سازی.

* نویسنده مسئول:

پژمان نوروزی

نشانی: دانش آموخته دکترای
مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه امام
حسین(ع)، تهران، ایران
پست الکترونیک:
pejman.n13@chmail.ir

استناد به این مقاله:

نوروزی، پژمان و فیروزکوهی، مهدی. (۱۴۰۴). کارکرد نظریه گفتمان «لاکلا و موف» در تقویت عمق-بخشی خارجی انقلاب اسلامی. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، (۱۷)، ۳۱۶-۳۵۰.

۱. مقدمه و بیان مسئله

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام (ره) در شرایط و زمانی اتفاق افتاد که هیچ یک از نخبگان و اندیشمندان حوزه سیاست و جامعه‌شناسی و همچنین سایر حوزه‌های اجتماعی و حتی نهادهای اطلاعاتی و امنیتی آن زمان، تحقق آن را امکان‌پذیر نمی‌دانستند. علاوه بر شگفتی پیروزی انقلاب اسلامی، ذهنیت غالب نخبگان غربی مبنی بر عمر کوتاه انقلاب بوده است. اما بعد از چند دهه جمهوری اسلامی ایران توانست تبدیل به بزرگ‌ترین مانع در برابر سیاست‌های استعمارگرایانه غرب و به‌ویژه آمریکا علاوه بر منطقه غرب آسیا در دیگر مناطق جهان نیز شود. امروزه جمهوری اسلامی ایران به نقطه‌ای رسیده است که با افتخار می‌توان گفت حوزه نفوذ ارزش‌های انقلاب اسلامی، حوزه جغرافیایی وسیعی را در بر گرفته است. از دشت قفقاز تا نواحی آسیای مرکزی و قفقاز، از مرزهای افغانستان و پاکستان تا مرزهای چین، از خلیج فارس تا شبه قاره هند و به ویژه از باب‌المنندب تا دریای مدیترانه و قاره آمریکا تبدیل به حوزه عمق راهبردی ایران شده است (Aghahsini, 2017: 13).

از سوی دیگر این پژوهش تمهیدی تازه است تا فراخوانی را طرح نماید که در آن «عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی» خود تبدیل به پدیده‌ای سیاسی می‌شود و با فراخواندن نظریه گفتمان «لاکلا و موف» بر سر سفره «بازخوانی»، تعالی‌بخش جدیدی برای پاسخ‌گویی به آسیب‌های متلون و متنوع عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی باشد. شیعه‌هراسی، ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی نام‌های جعلی می‌باشند که توسط گفتمان‌های رقیب برای مقابله با گفتمان انقلاب اسلامی برساخته شده است. اصلی‌ترین رقیب گفتمان انقلاب اسلامی در محیط‌های متجانس «گفتمان وهابیت»، به رهبری سعودی (Firuzkuhi, 2022)؛ «گفتمان اخوانی» (Jafari & colleague, 2016: 86) و در محیط‌های غیرمتجانس، «لیبرال دموکراسی» می‌باشد.

بنابراین، عامل بسط و تعمیق ارزش‌های انقلاب اسلامی را ابتدا می‌بایست در گفتمان‌سازی، یعنی تبدیل ارزش‌های انقلاب اسلامی به یک فکر عمومی و رایج در جامعه هدف، جستجو کرد. یا به‌طور شفاف‌تر می‌توان گفت، ایجاد یک تفاهم جمعی درباره یک مسئله. یک رکن این گفتمان‌سازی، طرح، ایده و راهکارهای موفقیت آن است که آرمان این پژوهش است و رکن دیگر مجموعه نخبگانی است که ایده را دریافت، پرورش و تبلیغ می‌کنند که نیاز به نوشته‌ای

دیگر می‌باشد. سؤال اصلی مقاله این است که چگونه بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موف می‌توان موجبات تقویت عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی را در محیط‌های متجانس و غیر متجانس فراهم کرد؟ این تحقیق دارای ماهیت توصیفی-تحلیلی بوده و از سؤالات فرعی تحقیق نیز اینکه، چگونه نظریه گفتمان لاکلا و موف صورت‌بندی گفتمان‌های قدرت را به نفع افزایش دامنهٔ هژمونی خویش متأثر و متحول می‌سازد؛ می‌تواند موجب تقویت عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی شود؟

هدف اصلی این پژوهش علاوه بر مقابله با غیریت‌های گفتمان انقلاب اسلامی، عمق‌بخشی خارجی گفتمان انقلاب اسلامی را از طریق هژمون شدن و هژمون ماندن بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موف که در واقع نکته کلیدی و قلب این پژوهش محسوب می‌شود؛ دنبال می‌کند.

تلاش خواهد شد با جرح تعدیل‌های که در این نظریه صورت می‌گیرد آن را برای فرآیند عمق‌بخشی خارجی مهیا کرد. در واقع برای سازگار ساختن نظریه گفتمان لاکلا و موف با فرآیند عمق‌بخشی خارجی نمی‌توان از هر جرح و تعدیل یا تغییری در نظریه کمک گرفت. همان‌طور که لاکاتوش معتقد است برای سازگار نگه داشتن برنامه پژوهشی با مشاهدات جدید در هسته انکارناپذیر یا «هسته سخت»^۱ آن تغییراتی هرچند محدود ایجاد کنیم، آن برنامه پژوهشی محدود شده و به تباهی کشیده می‌شود. بنابراین لاکاتوش توصیه می‌کند هرگونه جرح و تعدیلی در برنامه پژوهشی باید در «کمر بند حمایتی»^۲ و نه هسته سخت می‌بایست صورت گیرد (Ha- 2017:636). بنابراین جرح و تعدیلی که در کمر بند حفاظتی نظریه گفتمان لاکلا و موف صورت می‌گیرد؛ تنها با این هدف انجام خواهد شد که به «تدقیق» و نه «توجیه» نظریه گفتمان لاکلا و موف کمک کند و در عین حال علاوه بر آن که «هسته سخت» نظریه را از خطر مصون نگاه داشته است؛ نظریه را جهت به کارگیری در بحث این پژوهش نیز آماده می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

نوروزی و فیروزکوهی در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر بازاریابی سیاسی بر تقویت عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی» سعی داشته‌اند با استفاده از مفهوم بازاریابی سیاسی، گامی به سوی طراحی چارچوبی در راستای عملی کردن موضوع عمق‌بخشی خارجی انقلاب

1. hard core
2. protective belt

اسلامی بردارند. سال اصلی نویسندگان در این پژوهش «چگونه می‌توان با استفاده از نظریه بازاریابی سیاسی، موجبات تقویت عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی را فراهم کرد؟» می‌باشد. در این پژوهش فرا نظریه بازاریابی سیاسی مبتنی بر مفهوم بنیادین «حفظ»، «تعمیق» و «نگهداشت» محصول در نظر گرفته شده است. به نحوی که شناخت و مدیریت فرآیند برندینگ، رسانه، بازاریابان حرفه‌ای و بازاریابی استراتژیک، عامل اصلی موفقیت بازاریابی سیاسی در عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی در نظر گرفته شده است.

فیروزکوهی، فرهادی و باوندپور در مقاله‌ای تحت عنوان «رسانه و عمق‌بخشی انقلاب اسلامی» به بررسی تأثیر رسانه‌ها در عمق‌بخشی انقلاب اسلامی می‌پردازند. نگارنده‌ها معتقدند رسانه از ابزارهای مهمی است که امروزه با توجه به ماهیت و کارکردهای آن می‌تواند در عمق‌بخشی انقلاب اسلامی بسیار مؤثر باشد.

حاجی زاده در مقاله‌ای تحت عنوان «الگوی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در راستای امنیت‌زایی و عمق‌بخشی انقلاب اسلامی» در سه سطح ملی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به بررسی تأثیر الگوی دیپلماسی دفاعی بر امنیت‌زایی و عمق‌بخشی انقلاب اسلامی می‌پردازد. نویسنده مقاله در بُعد ملی بر مؤلفه‌هایی مانند متنوع‌سازی رویکردها و ابزارهای دیپلماسی و در حوزه منطقه‌ای تقویت همگرایی با ارتش‌های همسو و در حوزه بین‌الملل توسعه همکاری‌های بین‌المللی اشاره می‌کند.

افتخاری و فیروزکوهی در پژوهشی در مقاله‌ای تحت عنوان اعتباربخشی علمی به الگوی طراز عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی» را مطمح نظر خویش قرار داده و با بهره‌گیری از راهبرد پژوهشی آمیخته؛ بر مبنای روش گرنند تئوری، داده‌های لازم را از کل آراء و نظرات مقام معظم رهبری گردآوری نموده و از نرم افزار تحلیل کیفی مکس کیودا ۲۱ برای تولید سطوح، ابعاد و مؤلفه‌های آن مفهوم، استفاده و نگاشت (گراف) مدل خروجی آن را در خصوص نگاشت (گراف) نهائی نرم افزار موصوف پرداخت. خروجی این مرحله، مدلی بود حاوی سه سطح شامل صدور انقلاب، بازتابش انقلاب و وسع افزایش انقلاب شده است.

۲-۱. نوآوری پژوهش

در این زمینه اگرچه استادان و پژوهشگران ایرانی بسیار قلم زده‌اند، اما می‌بایست این تلاش را کوششی

متفاوت دید. بدین معنا که در این پژوهش تلاش شده است با «فراخواندن» گفتمان «لاکلا و موف»، تقویت عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی را از منظر این نظریه مورد بررسی قرار داد. از این رو پژوهش پیش رو، متمایز از آثار پیشین بوده و دارای نوآوری موضوعی و رویکردی است.

۲-۲. ادبیات مفهومی

عمق بخشی انقلاب اسلامی

در فرهنگ واژگان معین، «عمق» به معنای ژرفا و گودی آمده است و «عمق بخشی» به معنای گود کردن و ژرفا نمودن معنی شده است (Farhang Moyen, 1971). در یک تعریف از صاحب نظران، عمق بخشی به معنای «ژرفا بخشیدن و نفوذ معنوی در مخاطبان انقلاب اسلامی ایران در خارج از مرزهای کشور از طریق بالا بردن آگاهی و اطلاعات ایشان در خصوص انگیزه‌ها اهداف و برنامه‌های انقلاب اسلامی» تعریف شده است (alibakhshi, 2012: 10). در تعریف دیگری از صاحب نظران، عمق بخشی به معنای «گسترش قلمرو نرم انقلاب اسلامی از طریق الگو شدن آن در فراتر از مرزهای پیرامونی اش، که از طرفی با جلب حمایت توده‌های مردم در سرزمین هدف و از سوی دیگر، با ایجاد و توسعه نفوذ نرم انقلاب اسلامی در آن سرزمین، منجر به خلق مصونیت برای منافع (ملی و فراملی) سرزمین مادر، در برابر تهدیدات نرم یا سخت حریف می‌شود» (Eft-ekhari&Hamkaran, 2017: 10). این تعریف، الگوی مورد نظر این پژوهش است.

گفتمان^۳

در تعریف و تحدید مفهوم و معنی گفتمان، مانند بسیاری از واژگان حوزه علوم اجتماعی و به ویژه علم سیاست، اختلاف نظر و طیفی از تعاریف وجود دارد. اما «گفتمان» از منظر لاکلا و موف، منظومه‌های معانی هستند که در آن‌ها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند، هویت و معنا می‌یابند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند. بنابراین، معنا و فهم همواره گفتمانی و لذا نسبی است. لاکلا و موف به جای مطرح کردن بحث عین و ذهن و تمایز میان بازنمایی‌های ذهنی و فعالیت‌های عملی (که توسط مارکسیست‌ها در تعریف ایدئولوژی به کار می‌رفت)، موضوعات و رفتارها را گفتمانی می‌دانند و برای اینکه اشیا و فعالیت‌ها قابل فهم باشند، می‌بایست به عنوان جزئی از یک چارچوب گسترده‌تر مورد تحلیل قرار گیرند (Haghighat: 2019: 576).

3. Discourse

چارچوب نظری: گفتمان لاکلا و موف

لاکلا و موف، نظریه گفتمانی را با استفاده از نظریه فوکو به همه حوزه‌های اجتماعی و سیاسی گسترش می‌دهند و تلاش دارند با به کارگیری این نظریه به تحلیل جامعه معاصر بپردازند. در این دیدگاه گفتمان‌ها «فهم ما» را از جهان شکل می‌دهند و در این دیدگاه امور اجتماعی و سیاسی و به طور کلی «جهان واقعیت» تنها در درون ساخت‌های گفتمانی است که قابل فهمند. آن‌ها نظریه گفتمانی خود را در کتاب «هژمونی و راهبرد سوسیالیستی» ارائه کردند. این کتاب می‌کوشد راهبردی جدید برای چپ بحران زده اروپا را از طریق بازخوانی و ساختارشکنی نظریه‌های متفکرانی چون مارکس، گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا، لاکان و سوسور فراهم نماید (Mouf, 2015:46).

ریشه نظریه گفتمان لاکلا و موف به دو سنت نظری ساختگرایانه یعنی زبانشناسی سوسوری و مارکسیسم باز می‌گردد. مارکسیسم «اندیشه اجتماعی» را مبنای این نظریه قرار می‌دهد و «زبانشناسی ساختگرای» سوسور نظریه معنای مورد نیاز این دیدگاه پاسا ساختگرایانه را در اختیار قرار می‌دهد. مطابق نظریه آن‌ها کل حوزه اجتماع به مثابه شبکه‌ای از فرایندهای متفاوت است که در آن معنا تولید می‌شود. از نظر سوسور «نشانه‌ها و کلمات معنای خود را نه به واسطه ارجاع به جهان خارج، بلکه از طریق رابطه‌ای که بین یکدیگر در درون نظام زبانی برقرار می‌کنند، به دست می‌آورند». لاکلا و موف نیز معتقدند هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن و قابل فهم شدن باید در درون نظام گفتمانی قرار گیرد. به عبارت دیگر، فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در کنار مجموعه‌ای از عوامل دیگر در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند. هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است کسب می‌کند. تفاوت لاکلا و موف با سوسور در آن است که معنا نزد سوسور در درون نظام زبانی، ثبات می‌یابد؛ در حالی که نزد لاکلا و موف معانی گفتمانی‌اند و تنها در درون یک گفتمان آن هم به شکل موقت می‌توانند تثبیت شوند (Haghighat:2019:575). مفاهیم زیر، مفاهیم اصلی این نظریه می‌باشد.

الف. دال مرکزی

نشانه‌های مفصل‌بندی شده در یک گفتمان از ارزشی یکسان برخوردار نیستند. یکی

مهم‌ترین این نشانه‌ها «دال مرکزی^۴» می‌باشد که لاکلا و موف این مفهوم را از «لاکان» وام گرفته‌اند. دال مرکزی نمادی است که سایر نمادها حول آن نظم می‌گیرند. دال مرکزی نماد برتری است و نمادهای دیگر حول آن انسجام می‌یابند. در واقع دال مرکزی، دال‌های دیگر را در قلمرو جاذبه معنایی خود نگه می‌دارد. دال مرکزی هسته مرکزی منظومه گفتمانی را تشکیل می‌دهد (Khalji, 2007:54). در نظریه لاکلا و موف دو مفهوم «دال و مدلول» نیز نقش کلیدی دارند. دال‌ها، اشخاص، مفاهیم، عبارت و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چهارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، مدلول نامیده می‌شود. مدلول، نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال مورد نظر برایمان معنا می‌شود. مفهوم دیگری «دال‌های شناور» می‌باشد. دال‌های شناور نیز نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف می‌کوشند به آن‌ها معنا دهند (Bahramipour, 2000:134).

ب. مفصل‌بندی

مفهوم «مفصل‌بندی» در نظریه گفتمان، نقش مهمی دارد. لاکلا و موف در نظریه گفتمان خود تعریفی که از مفصل‌بندی ارائه می‌کنند؛ شکل‌گیری یک هویت جدید از طریق تلفیقی از عناصر در کنار هم و در یک مجموعه جدید است (Jourgensen and Phillips, 2010:56). یعنی هویت جدید هنگامی به دست می‌آید که این عناصر در قالب گفتمان جمع می‌شوند چرا که جدا از هم، بی‌مفهوم هستند. در واقع در مفهوم مفصل‌بندی از ربط دادن عناصر به یکدیگر استفاده می‌کنند و مفصل‌بندی را در واقع گردآوری و ترکیب عناصر گوناگون در هویتی نو می‌گویند (Howarth, 2000:121).

ج. هژمونیک

در نظریه گفتمان لاکلا و موف، در سرتاسر جامعه «هژمونی» وجود دارد و با آن در هم تنیده است. در مقایسه با گرامشی، لاکلا و موف معنای بسیار عام‌تری از «هژمونی» را به کار می‌برند در صورتی که دال هژمونیک می‌شود که افکار عمومی هر چند به صورت موقت معنایی را برای آن بپذیرند. هژمونیک شدن گفتمان و هویت و نهایتاً کل نظام معنایی، به معنای هژمونیک شدن دال‌های دیگر است. به عبارت دیگر هژمونی یک گفتمان زمانی اتفاق می‌افتد که یک

4. Nodal point

گفتمان، هرچند به طور موقت، نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی اجتماع تثبیت کند و رضایت عمومی را جلب نماید (Laclau, Mouffe, 1985:44).

ج. خصومت، غیریت

از دیگر مفاهیمی است که در این نظریه مطرح است می‌توان به «غیریت»^۵ و «خصومت»^۶ اشاره کرد. لاکلا برای توضیح ویژگی‌های غیریت، مفهوم «بیرون سازنده»^۷ را به کار می‌برد و بر لزوم وجود غیر یا خصم برای شکل‌گیری هویت‌ها و تثبیت معانی، همچون دریدا تأکید می‌کند. در نظریه لاکلا و موف «خصومت» به امکانی و موقتی بودن گفتمان‌ها اشاره دارد. همواره اگر خصومت‌ها وجود یک گفتمان را تهدید و آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهند، پس همه گفتمان‌ها خصلتی امکانی و موقتی دارند و هیچ‌گاه تثبیت نمی‌شوند. از سوی دیگر، این تضاد همیشه خصلتی ویرانگر ندارد و می‌تواند سازنده هم باشد (Laclau, 1990).

۲-۳. نظریه گفتمان لاکلا و موف در استخدام عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی

همان‌طوری که در بیان مسئله نیز اشاره شد، در نظریه گفتمان لاکلا و موف همواره می‌توان روندی از پیدایش، گسترش و فروپاشی گفتمان را تصویر کرد. در ادامه ظرفیت این نظریه را برای تقویت عمق‌بخشی خارجی به آزمون گذاشته خواهد شد. پس از کالبدشکافی و لایه‌برداری عمیق از بحث کارکرد نظریه گفتمان لاکلا و موف و عمق‌بخشی خارجی و مشورت با خبرگان نظریه گفتمان، درنهایت، راهبرد گفتمان‌سازی و شش راهکار شامل: قابلیت دسترسی و اعتباریابی، غیریت‌سازی و هویت‌بخشی، ایدئولوژی‌سازی، مشروعیت‌سازی و مشروعیت‌نمایی، اسطوره‌سازی و انتقال‌گرایی پیش‌تازانه بدست آمد (Moshirzadeh, 2023). بخش اول به گفتمان‌سازی و نحوه مفصل‌بندی گفتمان انقلاب اسلامی در محیط‌های متجانس و غیرمتجانس پرداخته می‌شود. بخش دوم، مربوط به شش راهکاری است که لاکلا و موف برای موفقیت و هم‌زمن شدن گفتمان مفصل‌بندی شده ارائه می‌کنند و همچنین به عامل بسط و تعمیق گفتمان هم‌زمن شده و راهکارهایی که لاکلا و موف برای حفظ و جلوگیری از افول و فروپاشی گفتمان هم‌زمن شده، ارائه می‌کنند؛ اختصاص دارد. راهبرد گفتمان‌سازی و شش

5. otherness

6. antagonism

7. constitutive outside

راهکار برای موفقیت آن، که با توجه به نظریه لاکلا و موف ارائه می‌شود، می‌تواند در تقویت فرآیند عمق‌بخشی خارجی که شامل صدور انقلاب، بازتابش انقلاب اسلامی و وسع‌افزایی انقلاب اسلامی می‌باشد (Firoozkouhi, 2022: 75)، نقش بسزایی را ایفا کند.

الف. گفتمان‌سازی

یکی از مهم‌ترین راهبردهای اصلی برای تقویت عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی، تبدیل آرمان‌ها و اهداف کلان جمهوری اسلامی به گفتمان می‌باشد. گفتمان‌سازی آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب و جمهوری اسلامی به معنای «تبدیل شدن» آن‌ها به روح کلی اقشار مختلف جامعه و تبلور آن‌ها در شیوه‌ی زندگی، زیرساخت‌های اجتماعی و جریان یافتن آن در سراسر مویزگ‌های حیات اجتماعی است. همان‌طوری که هوا برای زنده ماندن انسان‌ها ضروری است ایجاد گفتمان هم برای تداوم و تأثیرگذاری یک جامعه ضرورت دارد. (AghaHosseini, 2017: 125).

رهبر انقلاب درباره‌ی اهمیت گفتمان‌سازی می‌فرماید: «این گفتمان‌سازی برای چیست؟ برای این است که اندیشه‌ی دینی، معرفت دینی در مخاطبان، در مردم، رشد پیدا کند. اندیشه‌ی دینی که رشد پیدا کرد، وقتی همراه با احساس مسئولیت باشد و تعهد باشد، عمل به وجود می‌آورد و همان چیزی می‌شود که پیغمبران دنبال آن بودند» (Supreme Leader, 22/08/2009). از این رو، گفتمان؛ تولیدکنندگان خود را قادر می‌سازد تا از طریق سوژه و ابژه‌سازی، از یک سو خود را به عنوان صاحبان قدرت و صلاحیت، و از دیگر سو، دیگران را به مثابه‌ی موضوعات قدرت، تولید و بازتولید نمایند. افراد و بازیگران اجتماعی با اطاعت و تبعیت از معانی، مفاهیم، ارزش‌ها و هنجارهای مستتر در گفتمان‌ها و نظام‌های معانی، آن‌ها را بازتولید می‌کنند. پیروی از این مؤلفه‌های قدرت منقعد کننده، منجر به خود انضباطی معانی و خودتسخیری می‌شود و آن را مجدداً بازتولید می‌کند (Dehghani Firouzabadi, 2013: 18). گفتمان‌سازی ارزش‌های انقلاب اسلامی خصوصاً با رویکرد محیط‌های متجانس و غیرمتجانس، از اهداف اصلی این پژوهش می‌باشد، اما به دلیل گستردگی بحث گفتمان‌سازی و محدودیت‌های این پژوهش، تلاش خواهد شد با ورود به لایه‌ی اول بحث و ارائه مفصل‌بندی از نشانه‌های قابل پذیرش در محیط‌های متجانس و غیرمتجانس، گفتمانی که اهداف عمق‌بخشی انقلاب اسلامی را می‌تواند برآورده کند، جهت هژمون شدن، تبیین، تحلیل و معرفی شود. درواقع از طریق مفصل‌بندی هوشمند گفتمان‌ها برای محیط‌های متجانس و غیرمتجانس، شرایط را برای افزایش دامنه اعتبار و هژمون شدن آن می‌توان رقم زد و از این طریق به عنوان راهبرد اصلی پژوهش، اولین قدم را

برای تقویت عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی را برداشت. عبور از لایه اول و پرداختن به نحوه گفتمان سازی ارزش های انقلاب اسلامی در محیط های متجانس و غیرمتجانس، بحثی گسترده می باشد که نیاز به نوشته های دیگر است. اما این پژوهش که تمرکز اصلی خود را بر ظرفیت سنجی نظریه گفتمان لاکلا و موف در راستای تقویت عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی گذاشته است.

نکته ویژه در خصوص نظریه گفتمان لاکلا و موف آن است که این ظرفیت در آن وجود دارد که گفتمانی رقیب، مانند انقلاب اسلامی در محیط های متجانس و غیرمتجانس می تواند از طریق بازنمایی جدید در سیاست زندگی و با استناد به مفهوم نهایی اسلام، دال های شناور این محیط ها را در پیکره بندی خود وارد کرده و ضمن تثبیت گفتمان خود، گفتمان مسلط را به چالش کشیده و مقدمات هژمون شدن خود را فراهم کند.

۲-۴. مفصل بندی گفتمان انقلاب اسلامی در محیط های متجانس و غیرمتجانس

۲-۴-۱. مفاهیم برگرفته از گفتمان انقلاب اسلامی

ویژگی مفاهیم و نشانه های انتخاب شده از گفتمان انقلاب اسلامی می بایست علاوه بر اینکه اهداف عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی را تأمین می کند؛ قابلیت پذیرش در هر دو محیط متجانس و غیرمتجانس را دارا باشد. برای مثال نمی توان مفهومی مانند «جهاد» را در هر دو محیط به کار گرفت (Firozkouhi, 2022). در محیط های غیرمتجانسی مانند اروپا که نظام های سیاسی دموکراتیک را تجربه کرده اند و از هرگونه مداخله خارجی در امور خود رها بوده اند؛ گفتمان انقلاب اسلامی برای بازتاب پیدا کردن در اروپا از این منظر ضعیف و از هم گسیخته می باشد. بنابراین می بایست بر آن دسته از مفاهیمی برای مفصل بندی در محیط های غیرمتجانس تأکید شود که در قاره ای مانند اروپا قابلیت اعتبار و پذیرش داشته باشند. از جمله این دال های شناور که جمهوری اسلامی از آن ها در راستای بازتاب و تعمیق گفتمان خود در اروپا غافل بوده، دال هایی مانند ضد نژادگرایی و ضد جنسیت گرایی می باشد.

۲-۴-۱-۱. ضد نژادگرایی

یکی از مفاهیمی که می تواند وارد نظام معنایی گفتمان انقلاب اسلامی به خصوص در

محیط‌های غیرمتجانس شود؛ ضد نژادگرایی می‌باشد که تا حدودی مقابله با آن نیز در اسلام تأکید فراوانی شده است. ضد نژادگرایی جزء دال‌های شناور و پر طرفداری می‌باشد که گفتمان انقلاب اسلامی توانسته از ظرفیت‌های این نشانه در راستای تعمیق گفتمان خود در محیط‌های غیرمتجانسی مانند اروپا بهره لازم را ببرد. نژادگرایی از بحران‌های فعلی و عمیق جامعه‌هایی مانند اروپا می‌باشد که ریشه در اندیشه‌های افرادی مانند «کانت»، «جان لاک» و «هیوم» دارد (Sadeghi, 2019:26). تبعیض میان نژادها نیز از جمله مواردی است که در قرآن از آن نکوهش شده است. امام خمینی (ره) با تأکید بر اینکه در اسلام هیچ تبعیضی وجود ندارد و ملاک برتری در دین، نه رنگ و نژاد و قومیت و جنسیت، بلکه پاک‌ی و تقواست، (Sahifah Imam, Vol. 7:78). معتقد است دین اسلام با هر چیزی که برابری جامعه را نفی و امتیازات پوچ را حاکم کند، مبارزه خواهد کرد و پیروانش را نیز به مبارزه با این پدیده نکوهیده دعوت می‌کند و اساساً هدف بعثت و رسالت تمام انبیا از جمله پیامبر اکرم (صلی‌الله)، نجات مردم از ظلم و تبعیض و از میان بردن نابرابری میان سیاه و سفید، عرب و عجم است. ایشان با تأکید بر الگوگیری از زندگی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، مصداق روشن نفی تبعیض در اسلام را حضور آن حضرت در محکمه با فردی یهودی می‌دانست (Sahifah Imam, Vol. 7:255).

۲-۴-۱-۲. ضد جنسیت‌گرایی

سکسیسم^۸ یا جنس‌گرایی، یا گاهی تبعیض جنسیتی، جنسیت‌نگری، جنسیت‌زدگی به معنی هرگونه پیش‌داوری یا تبعیض بر اساس جنسیت یا جنس فرد است. پیامد این امر، تبعیض منفی نسبت به انسان‌ها و بر پایه هویت واقعی یا فرضی جنسیتی ایشان است. این مفهوم همچنین می‌تواند در اشاره به نفرت یا بدگمانی نسبت به یک جنس زن‌ستیزی یا مردستیزی یا کلیشه‌ای کردن مردانگی در رابطه با مردان و زنانگی در رابطه با زنان باشد. سلطه جنسیت‌گرایی بر جامعه آمریکا و اروپا و انتشار اخبار شوک‌برانگیز و بهت‌آور در رابطه با جنسیت‌گرایی حکایت از چالش بزرگی می‌باشد که گفتمان لیبرال دموکراسی علاوه بر آنکه برای درمان آن برنامه ندارد بلکه خود علتی بر گسترش آن می‌باشد (Burnham, 2007:2). «عدالت جنسیتی» مفهومی جذاب برای مقابله با جنسیت‌گرایی می‌باشد. عدالت جنسیتی که اسلام بر آن تأکید

8. Sexism

دارد بدان معناست که زن و مرد حقوق و وظایف یکسان دارند و همه از فرصت‌های مساوی جامعه برخوردار هستند. علامه طباطبایی نیز عدالت جنسیتی در اسلام به معنی تساوی به اقتضای عدل اجتماعی و یا بیان دیگر هر صاحب حقیق به حق خود و به اندازه وسع خود بشود (Ismaili and Qaderi Araei, 2010:15).

۲-۴-۱-۳. نگاه مستقل به مسائل جهان

یکی از مفاهیم کاربردی گفتمان انقلاب اسلامی که می‌تواند در گفتمان سازی ارزش‌های انقلاب اسلامی در هر دو محیط‌های متجانس و غیر متجانس نگاه مستقل به مسائل جهانی می‌باشد. نتیجه طبیعی نگاه مستقل به مسائل جهانی، تقابل با سلطه گران است که بدین گونه هدف غایی انقلاب اسلامی نیز رقم می‌خورد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این باره می‌فرماید «نگاه مستقل به مسائل جهانی و تحت تأثیر قدرت‌ها قرار نگرفتن در کوچک و بزرگ مسائل، از تعالیم اسلام است، این آموزش اسلام است، این هم دستوری است که اسلام به ما داده است. اسلام نخواست است که ملت مسلمان در جهت‌گیری، در حرکتش، در سیاست‌هایش، در تصمیم‌گیری‌شان تابع مراکزی باشد که مصالح استکباری خودشان و نگاه منفعت طلبانه خودشان را دارند» (Supreme Leader, 2/24/2009).

۲-۴-۱-۴. عدم پذیرش سلطه و حاکمیت بیگانگان

یکی دیگر از مفاهیم جذاب که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با وارد کردن آن در نظام معنایی خود، پذیرش و هژمون شدن گفتمان خود را به ویژه در محیط‌های متجانس رقم زند مقابله با سلطه و حاکمیت بیگانگان می‌باشد. بر اساس قاعده فقهی نفی سیل، نفی سلطه کفار و بیگانگان، اولین و مهم‌ترین شاخص استقلال جامعه اسلامی به شمار می‌رود. عقل و تجربه تاریخی نیز بر استقلال و نفی سلطه کفار از مقدرات جامعه اسلامی، که از آیات قرآن کریم و سنت نبوی استنباط می‌شود، صحه می‌گذارد. از طرفی شرافت و ماهیت توحیدی اسلام مانع از آن است که فرد مسلمان برای غیر خدا تعبد و تذلل نماید (Shukoori, 1988:336). در حوزه رفتار سیاسی، نپذیرفتن ولایت کفار، استمداد نخواستن از بیگانگان و مشورت نکردن با آنان در امور مسلمانان، ظلم‌ستیزی و نفی استبداد و استعمار، و عدم احقاق حق از طریق بیگانگان، از شاخص‌های نفی سلطه بیگانگان محسوب می‌شود. در واقع عمل به این مفهوم می‌تواند زمینه عمق‌بخشی خارجی انقلاب را به ویژه در محیط‌های متجانس فراهم کند.

۲-۵-۱. مفاهیم برگرفته از گفتمان راست

«ملت»، «قانون» و «آزادی» مفاهیم و دال‌های شناوری می‌باشند که گفتمان انقلاب اسلامی می‌تواند از گفتمان رقیب خود در محیط‌های متجانس و غیرمتجانس یعنی «گفتمان راست» اخذ کرده و وارد نظام معنای خود کند. در واقع این مفاهیم مفصل‌بندی و شاکله گفتمان راست را تشکیل می‌دهند و گفتمان انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از این مفاهیم و بازنمایی جدید از آن‌ها خواهد توانست این گفتمان را به حاشیه کشانده و خود را مروج و حامی اصلی ملت، قانون و آزادی معرفی کند. در ادامه اهمیت حضور این مفاهیم را در گفتمان مفصل‌بندی شده برای محیط‌های غیرمتجانس نشان داده خواهد شد.

۲-۵-۱-۱. ملت

«ملت»، «ملی» و «ملی‌گرایی» و تعابیر مترادف با این مفاهیم جایگاه خاصی در گفتمان اسلامی ندارند. چرا که در گفتمان اسلامی مفهوم «امت» جدا از هر نوع تعلق قومی، فرهنگی و یا زبانی جانشین ملت می‌شود شهید مطهری در این باره می‌گوید: «این مسئله مسلم است که در دین اسلام، ملیت و قومیت به معنایی که امروز میان مردم مصطلح است هیچ اعتباری ندارد، بلکه این دین به همه ملت‌ها و اقوام مختلف جهان با یک چشم نگاه می‌کند و از آغاز نیز دعوت اسلامی به ملت و قوم مخصوصی اختصاص نداشته است، بلکه این دین همیشه می‌کوشیده است که به وسایل مختلف ریشه ملت‌پرستی و تفاخرات قومی را از بیخ و بن بر کند» (Motahhari, 1990:62). امام خمینی (ره) اولین بار بود که مفهوم ملت را در سخنرانی‌ها و بیانات خود به کار بردند تا بتوانند تمامی مردم و نیروهای انقلابی را مخاطب گفتمان انقلاب اسلامی قرار داده باشند (Sahifah al-Nur, vol. 2:211). بنابراین، جمهوری اسلامی ایران می‌بایست با قرار دادن مفهوم ملت و تعابیر مترادف آن و با اعطای مدلول و معنای خاص خود به این مفهوم آن را در راستای نظام معنای انقلاب اسلامی مورد بهره‌برداری قرار دهد. در واقع مفصل‌بندی گفتمان مورد نظر جمهوری اسلامی برای محیط‌های غیر متجانس و توفیق کامل آن در فرآیند غیریت‌سازی می‌بایست بر روی این مفهوم تمرکز کرد و هم‌طوری که حضرت امام (ره) نیز برای غیریت‌سازی گفتمان پهلوی از آرمان والا و بلند خود یعنی ملت اسلامی چشم‌پوشی کردند؛ برای موفقیت عمق‌بخشی خارجی نیز می‌بایست دست به دامان مفهوم ملت برد.

۲-۵-۱-۲. آزادی

«آزادی» مفهومی مدرن و سکولار است و همواره از سوی گفتمان‌های مدرن و غیردینی ترویج می‌گردد. برای مفهوم آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی تعریف خاصی برای آن وجود ندارد. مفصل‌بندی مفهوم آزادی در گفتمان اسلام اولین بار نیز توسط امام خمینی (ره) صورت گرفت ایشان در مصاحبه با خبرنگار روزنامه فیگارو، به خوبی مفهوم آزادی در گفتمان انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد «ما موافق رژیم آزادی‌های کامل هستیم. باید حدود رژیم آینده ایران، همان‌گونه که برای کلیه دولت‌های متکی به مردم مطرح است، منافع مجموع جامعه را در برگیرد و همچنین باید به شئون جامعه ایرانی مقید بوده باشد، زیرا عرضه یک جامعه محدود، دستبرد به شرف مردان و زنان آن جامعه می‌باشد» (Sahifah al-Nur, vol. 2:158). تفسیری که از مفهوم آزادی در محیط‌های متجانس و غیرمتجانس ارائه می‌شود، می‌بایست مورد قبول توده مردم واقع شود و پس تفسیر این مفهوم در این دو محیط به گونه‌ای متفاوت از هم می‌بایست ظهور پیدا کنند تا آن حد که هر یک با ارائه تفسیری منطقی و دینی از آزادی سعی در تصرف افکار جامعه به نفع خود داشته تا بتواند رقیب را از میدان بیرون کند و بتوانند بر قامت آزادی از منظر خود در این محیط‌های لباس مشروعیت و مقبولیت ببوشاند. از آنجا که نشانه‌های گفتمانی بیشتر در اطراف یک دال مرکزی سامان‌دهی می‌شوند، آزادی نیز مفهومی است که حول دال مرکزی هر گفتمان و متناسب با آن، معنای خود را به نمایش می‌گذارد. با توجه دال مرکزی گفتمان محیط‌های متجانس و غیرمتجانس مفهوم آزادی را به معنای «آزادی از دخالت دیگران» اتخاذ می‌شود که علاوه بر تناسب با اسلام با محیط‌های غیر اسلامی نیز قابلیت جمع شدن دارد.

۲-۵-۱-۳. قانون

«قانون» یکی دیگر از مفاهیمی است که در گفتمان انقلاب اسلامی جایگاه خاصی نداشته است. مترادف قانون در اسلام مفاهیمی مانند شرع و احکام بوده است که کارکردهای مشابهی با قانون داشته‌اند. ولی به هیچ وجه نمی‌توان میان این مفاهیم همانندی قائل شد. چرا که قانون مفهوم مدرنی است و در مفصل‌بندی گفتمان در محیط‌های متجانس می‌بایست بر مفهوم مدرن آن تمرکز کرد. مفهوم قانون قابلیت وارد شدن در نظام معنایی ارائه شده برای محیط‌های متجانس دارا می‌باشد. حضرت امام (ره) نیز با اشاره به نقض

قانون از سوی پهلوی و تأکید بر حفظ قانون این مفهوم را وارد گفتمان انقلاب اسلام کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «مجلسین مخالف قانونند و شاه هم مخالف قانون است، از جهت ما مخالف او هستیم» (Sahifah al-Nur, vol. 2:214). قانونی که مورد تأکید انقلاب اسلامی می‌باشد علاوه بر آن که دارای نظارت‌های درونی می‌باشد؛ نسبت به سایر نظام‌های سیاسی، دارای قیود نظارتی بیرونی بیشتری است و این کثرت قیودهای بیرونی سبب می‌شود تا ضمانت اجرا بیشتری داشته باشد. قیود قانون در منظر اسلام به مراتب بیشتر از قانون در گفتمان لیبرال دموکراسی می‌باشد. قیود بیرونی نظام‌های لیبرال دموکراسی فقط ناظر به قوانینی است که به وسیله خود انسان‌ها وضع شده است؛ اما قانونی که مدنظر گفتمان انقلاب اسلامی باشد علاوه بر مکانیسم‌های نظارت موجود در لیبرال دموکراسی، قیود دیگری چون ارزش‌های اسلامی، احکام شرعی مصلحت وجود دارد (Afrogh, 2012: 139-145).

۲-۵-۲. مفاهیم برگرفته از گفتمان چپ

همان‌طور که مشخص است، این پژوهش گفتمان انقلاب اسلامی در محیط‌های متجانس و غیرمتجانس را بازسازی جدیدی از اسلام تلقی می‌کند که در آن مفاهیم گفتمان راست و چپ وارد نظام معنایی آن خواهد شد و در زنجیره هم‌ارزی مفاهیم اسلامی مفصل‌بندی شده‌اند. بنابراین در ادامه بحث و در راستای اثبات ادعای خود پیرامون بهره‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی از مفاهیم چپ، سعی خواهد شد این مفاهیم را با معنای جدید و متناسب با محیط‌های متجانس و غیرمتجانس در گفتمان انقلاب اسلامی مفصل‌بندی کرد.

۲-۵-۲.۱. عدالت اجتماعی

گسترش اقتصاد سرمایه‌داری در جهان و تشدید نابرابری‌های اجتماعی ناشی از آن، باعث ظهور مفهوم جدیدی به نام «عدالت اجتماعی» شده است. گفتمان چپ مهم‌ترین مروج و داعیه‌دار این مفهوم می‌باشد چرا که مبارزه با بی‌عدالتی‌های نظام سرمایه‌داری و فلسفه ظهور این گفتمان بوده است و در واقع مفهوم عدالت اجتماعی دال مرکزی گفتمان‌های چپ و به ویژه مارکسیسم بوده است (Qurashi, 2009:223). یکی از ویژگی‌های بارز اسلام سیاسی، عدالت محوری آن و تلاش برای تأمین عدالت در جامعه می‌باشد. در قرآن کریم آیات متعددی در خصوص بسط و رعایت عدالت آمده است؛ از جمله آیه‌ای که هدف از

ارسال رسل و انزال کتب را حق عدالت در جامعه معرفی می‌کنند (حدید، آیه ۲۵). در اسلام عدالت اجتماعی دارای معنایی بسیار متفاوت از عدالت اجتماعی مورد نظر چپ‌ها و راست است. در گفتمان چپ عدالت به معنای ضد تفاوت است و حتی امتیازات طبیعی افراد نیز به بهانه‌ی عدالت نادیده گرفته می‌شود و در نظام راست عدالت اجتماعی یعنی تأمین بالاترین درجه آزادی افراد. اما آنچه که می‌بایست در محیط‌های متجانس و غیر متجانس عدالت اجتماعی معنا شود «ضد تبعیض» است نه ضد تفاوت. شهید مطهری در توصیف جامعه اسلامی می‌گوید این جامعه تساوی‌ها، برابری‌ها و برادری‌هاست؛ اما تساوی منفی؛ بلکه تساوی مثبت. یعنی ایجاد امکانات مساوی برای عموم و تعلق مکتسبات هر فرد به خودش و سلب امتیازات موهوم و ظالمانه (Motahhari, 1990:54). بنابراین «ضد تبعیض» معنایی جذاب، برای بازنمایی عدالت اجتماعی در گفتمان انقلاب اسلامی در محیط‌های متجانس و غیر متجانس می‌باشد.

۲-۲-۵-۲. مبارزه با سرمایه‌داری

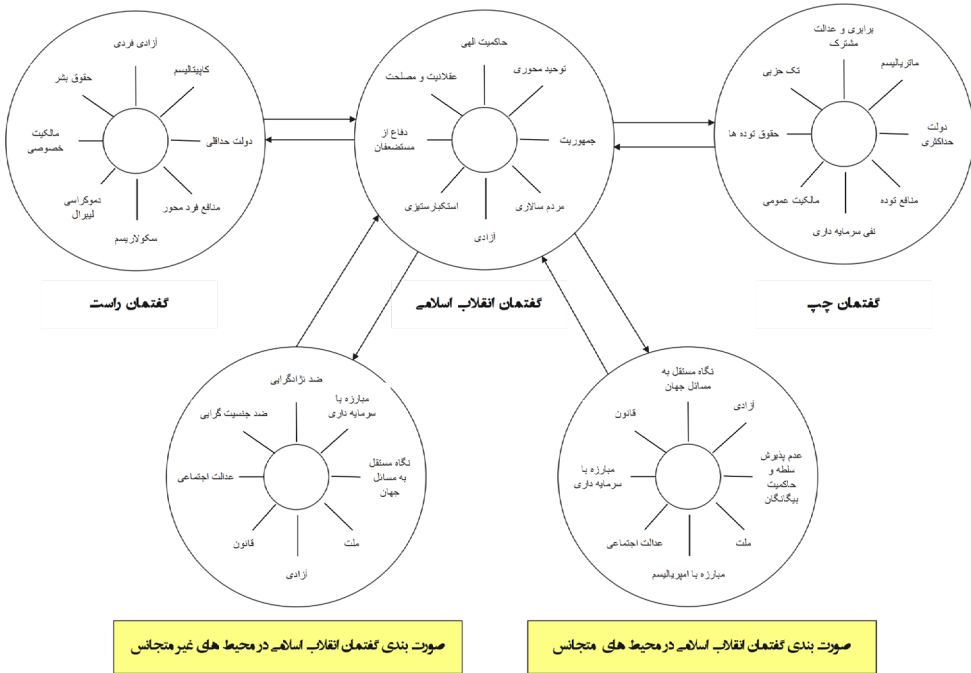
مبارزه با سرمایه‌داری یکی دیگری از نشانه‌های است که گفتمان انقلاب می‌تواند با وارد کردن آن در نظام معنایی خود و بازنمایی متناسب آن نسبت به محیط‌های متجانس و غیر متجانس پذیرش و هژمون شدن گفتمان انقلاب اسلامی را تسهیل کند. جذابیت‌های نظام اقتصادی اسلام می‌تواند با معنا دهی مناسب به مبارزه سرمایه‌داری اول اینکه به غیریت‌سازی این مفهوم در سایر گفتمان‌ها پردازد و دوم اینکه آن را تبدیل به یکی از مفاهیم اصلی خود برای مقابله با نظام سلطه کند. مقابله با سرمایه‌داری یکی از راهبردهای تحقق عدالت در اقتصاد می‌باشد که توسط گفتمان چپ دنبال می‌شده است. تحقق عدالت در اقتصاد در اسلام توسط مفهوم توزیع ثروت صورت می‌گیرد. قرار گرفتن توزیع عادلانه ثروت در کنار مبارزه با سرمایه‌داری می‌تواند باعث جذابیت این مفهوم شود. اسلام به منظور زدودن فقر و برقراری رفاه عمومی در سطح جامعه، توزیع عادلانه ثروت را در سه مرحله ترسیم می‌کند: مرحله پیش از تولید، مرحله پس از تولید و مرحله توزیع مجدد (Farahani, 2005:122). در مرحله پیش از تولید در اسلام حدودی مشخص شده است که از انباشته شدن منابع و ثروت‌های طبیعی در دست گروهی خاص و محرومیت گروه دیگر جلوگیری می‌کند و نخستین و مهم‌ترین عامل ایجاد شکاف میان طبقات گوناگون جامعه را از بین

می‌برد. در مرحله‌ی بعد از تولید، در اسلام قواعدی تنظیم شده که وقتی سرمایه در ریسک تولید شرکت نکند، بهره‌ای از سود ندارد و نیروی کار می‌تواند از طریق فرد یا مشارکت در فرایند تولید و تجارت به سهم خود دست یابد در مرحله‌ی توزیع مجدد، برخلاف دو مرحله پیشین که ملاک اصل توزیع ثروت کار بود، اما در این مرحله، ملاک توزیع، نیاز افراد است. بی‌تردید ناتوانی گروهی از افراد از شرکت در فعالیت اقتصادی و نیز وجود برخی از عوامل طبیعی در فرایند تولید سبب تفاوت درآمد شده، به بروز شکاف طبقاتی منجر می‌گردد. اسلام به منظور از کاستن این شکاف و جلوگیری از فقر در سطح جامعه، تدابیری اندیشیده است. این مرحله از توزیع درآمد؛ از طریق گرفتن مالیات‌های گوناگون از طبقات ثروتمند جامعه و حمایت از اقشار محروم و ناتوان تحت عنوان کمک‌های انتقالی و تأمین اجتماعی صورت می‌گیرد (Farahani, 2005:126).

۲-۵-۳. مبارزه با امپریالیسم

گفتمان چپ با توجه به تأثیری که از روسیه گرفته است؛ مدلول و معنایی متفاوت از مفهوم استعمار را در نظام معنایی خود تعریف کرده است. این گفتمان آمریکا را غیریت خارجی خود تلقی می‌کند که رهبری امپریالیسم جهانی را برعهده داشته است. به این ترتیب می‌توان گفتمان انقلاب اسلامی در راستای بهره‌برداری از این مفهوم در محیط‌های متجانس و غیرمتجانس می‌بایست با اعطایی معنایی جدید به این مفهوم و حفظ و ارتقای جذابیت این مفهوم آن را وارد نظام معنایی خود کند. استکبارستیزی و دفاع از محرومان و مستضعفان مفاهیمی جذاب می‌باشند که می‌توانند با بازنمایی جدید از مبارزه با امپریالیسم، در هر دو محیط‌های متجانس و غیرمتجانس پذیرفته شود. صف‌آرایی مستکبران در مقابل مستضعفان، تقابل عدل و ظلم، و رویارویی محرومان و چپاول‌گران، در اندیشه انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. زمانی که این مفاهیم با نشانه «مبارزه با امپریالیسم» رابطه برقرار می‌کند دامنه و گستره این مفهوم افزوده می‌شود و می‌تواند تبدیل به یکی از عناصر مهم و نقش‌آفرین در محیط‌های متجانس و غیر متجانس شود (Rezaei Jafari, 2016:95).

در ادامه صورت‌بندی گفتمانی مناسب برای ارائه در محیط‌های متجانس و غیرمتجانس ارائه می‌شود:



الگوی ۱. مفصل بندی گفتمانی مخصوص جهت ارائه در محیط های متجانس و غیر متجانس (ترسیم: نگارنده)

۳. راهکارهای لازم برای موفقیت راهبرد «گفتمان سازی»

همان طوری که در بخش گفتمان سازی به صورت اجمالی به آن اشاره شد، نحوه گفتمان سازی ارزش های انقلاب اسلامی در محیط های متجانس و غیر متجانس، بحثی گسترده می باشد که نیاز به نوشته های دیگر است. اما در ادامه با کند و کاوی که در نظریه گفتمان لاکلا و موف صورت گرفته است؛ جهت موفقیت نخبگان ج.ا.ا در گفتمان سازی، شش راهکار مکمل و ضروری برای موفقیت گفتمان سازی ارزش های انقلاب اسلامی ارائه می شود.

۳-۱. قابلیت دسترسی و اعتباریابی

شاید بتوان «قابلیت دسترسی و اعتباریابی» را یکی از مهم ترین مفاهیم در نظریه گفتمان لاکلا و موف دانست؛ چرا که حتی قبل از گفتمان سازی، اولین گام در عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی تولید باورها، ارزش ها و الگوهای رفتاری جهان شمول، عام و کلی در سطح جامعه

بشری است که برای کسب مشروعیت و اعتبار به آن ارجاع داده می‌شود. لاکلا و موف از این مفهوم برای توضیح چگونگی موفقیت گفتمان‌ها استفاده می‌کنند. ویژگی در «دسترس» بودن با نیازی که به معنا بخشی به دال‌های شناور وجود دارد تعریف می‌شود (Haghighat, 2017:578). گفتمان انقلاب اسلامی می‌بایست به دال‌های شناور، به شیوه خاص خود معنا ببخشد. برای مثال امروزه در محیط‌های غیر متجانس ارزش‌های جهان‌شمولی مانند حقوق بشر، آزادی، دموکراسی، خوشبختی، رفاه، امنیت و غیره که به صورت جدی خدشه‌دار شده‌اند؛ جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با معنا دهی و ارائه ارزش‌های جدیدی مانند عدالت، آزادگی و حریت، سعادت بشری، مردم‌سالاری، توجه توأمان به نیازهای مادی و معنوی و امنیت، عاملان اجتماعی بیشتری را با این حقایق آشنا نموده و از این طریق دامنه هژمونی و دسترسی خود را افزایش دهد.

البته لاکلا و موف شرط دیگری نیز برای پذیرش یک گفتمان دارند و آن قابلیت «اعتبار» می‌باشد. از نظر لاکلا و موف گفتمانی که به دنبال هژمون شدن در یک جامعه می‌باشد؛ می‌بایست اصولی پیشنهادی خود را متناسب با وضعیت آن جامعه ارائه کند. در واقع می‌توان اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول اساسی آن گروه اجتماعی ناسازگار باشد (Haghighat, 2017:579). فرایندهایی مانند جهانی شدن و... باعث شده گفتمان انقلاب اسلامی با چالش‌های جدی و جدیدی مواجه شود. بنابراین، برای رهایی خود از مخاطرات، گفتمان انقلاب اسلامی چاره‌ای ندارد جز اینکه برای مواجه شدن با این گونه چالش‌ها، توانایی و ظرفیت‌های لازم را در خود فراهم سازد تا بتواند واکنش‌های متناسب و همخوان داشته باشد. پس در واقع ضرورت دارد نخبگان انقلاب اسلامی، از طریق بازتعریف ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب و تحول در پیش‌فرض‌ها و تصورات اولیه خود از محیط‌های متجانس و غیرمتجانس، به تبلیغ و ترویج ارزش‌های گفتمان انقلاب اسلامی بپردازند (Rezaei Jafari et al., 2016:104). با توجه به مطالب گفته شده برای مثال گفتمان انقلاب اسلامی در محیط غیر متجانسی مانند اروپا از دو شرط در «دسترس» و «اعتبار» برخوردار نبوده است. یعنی نه ادبیات و نه مفاهیم آن گفتمان، برای این جامعه قابل فهم بوده است و نه در اذهان سوژه‌ها به عنوان در دسترس‌ترین جایگزین برای گفتمان موجود و رهایی از مشکلات و شرایط بحرانی شناخته می‌شود (Khani Arani and Barzegar, 2017:124). بر این اساس می‌توان گفت عمده نهادها و بسیاری از شعارهای برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی با

توجه به مقتضیات خاص آن دوره بیان یا ساخته شده است و با تغییر در شرایط محیط‌های متجانس و غیرمتجانس نمی‌توانند در این گونه محیط‌ها برای بحران‌های تازه پاسخگو باشند. نکته کلیدی که از نظریه گفتمان لاکلا و موف در این رابطه بدست می‌آید آن است که ارائه شعارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی به شیوه قدیمی با همان ویژگی‌های سابق و بدون در نظر گرفتن تغییراتی که در محیط‌های متجانس و غیرمتجانس به وجود آمده است؛ نتیجه‌ای جز ناکارآمدی و افول گفتمان نخواهد داشت.

۲-۳. غیریت سازی و هویت بخشی

در نظریه گفتمان لاکلا و موف با یک اثبات و یک نفی مواجه هستیم؛ یعنی در هر نظام گفتمانی، در عین آنکه به اثبات خودش می‌پردازد؛ به نفی گفتمان دیگری را نفی می‌کند. در واقع گفتمان‌های تلاش می‌کنند تا نقایص و کاستی‌های گفتمان رقیب را برجسته نموده و ضعف‌های خود را کتمان کنند (Haghighat, 2017:580). به عبارت دیگر هویت‌سازی در نظریه گفتمان لاکلا و موف، از ویژگی‌های گفتمان است و تلاش دارد اثبات هویت خود را از طریق نفی دیگری یا غیر خودش دنبال کند و بدین شکل غیریت‌ساز می‌شود. به عبارت دیگر، هویت چیزی نیست جز آن چه که هر فردی به وسیله آن، خویش را از دیگر تشخیص می‌دهد و در پرتو آن کیستی و چیستی خود را تعریف می‌کند و این شناخت از خود و دیگری، جز در پرتو یک فرآیند معنا سازی، امکان پذیر نیست (Tajik, 2005:12). بر این اساس، گفتمان انقلاب اسلامی در محیط‌های متجانس می‌بایست به غیریت‌سازی اسلام وهابیت، اسلام اخوانی و اسلام نوع‌ثمنی بپردازد و در محیط‌های غیرمتجانس رقیب اصلی گفتمان انقلاب اسلامی، لیبرال دموکراسی می‌باشد که تبدیل به «غیر هویت بخش» گفتمان انقلاب اسلامی می‌شود.

۳-۲-۱. گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان وهابیت

اسلام وهابی به نمایندگی سعودی در حوزه دیانت، هرگونه گرایش‌های عقلی، فلسفی و کلامی را با تکیه بر ظواهر قرآن و سنت، راد می‌کند و با اصراری که بر اسلام‌گرایی از نوع خاص آن دارد؛ سایر گروه‌های اسلامی و غیراسلامی تکفیر می‌کنند و استفاده از خشونت علیه آن‌ها را برای خود حق می‌داند. جریانی عقل‌گریز که با نفی هرگونه اندیشه ورد مطلق دنیای مدرن نمی‌تواند جایگاهی حداقل در محیط‌های غیرمتجانس داشته باشد. بسیاری از اندیشه‌های واپس‌گرایانه و مرتجعانه این جریان مانند مخالفت با تحصیل و اشتغال زنان و نفی برابری جنسیتی، برگزاری

انتخابات، ممنوعیت حضور احزاب سیاسی در جامعه و منع مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود و مقابله با هرگونه مردم‌سالاری (Ismatullahi, 1995:133)؛ این گفتمان را در ارائه الگویی مناسب حتی در محیط‌های متجانس نیز ناتوان می‌کند.

در واقع اسلام وهابیت از وجه ایجابی بی‌بهره است و فاقد یک آلترناتیو روشن می‌باشند. در گروه‌های سلفی تفکرات سازنده نفی می‌شود. این گروه‌ها به دنبال تخریب مبانی ظاهری و معرفتی موجود هستند و در خصوص گفتمان‌سازی و نظام‌سازی ایده روشنی ندارند (Nazary, 2008:324). بنابراین این گفتمان نمی‌تواند در محیط‌های متجانس و غیرمتجانس پذیرش و هژمون شود. ویژگی اصلی گفتمان انقلاب اسلامی که در نقطه مقابل این گفتمان قرار می‌گیرد؛ وجود تعقل، مدارا و خرد جمعی است که در گفتمان انقلاب اسلامی مفصل‌بندی شده است. در گفتمان انقلاب اسلامی و بر خلاف گفتمان وهابیت، با بهره‌گیری از اسلام شیعی و اجتهاد جایگاه ویژه‌ای برای «عقلانیت و مصلحت» قائل است و خود را ملزم به دفاع از حقوق همه بشریت می‌داند و همچنین سایر مذاهب در این گفتمان مورد احترام و تکریم قرار می‌گیرد. از مردم‌سالاری و حقوق زنان و نقش آن‌ها در اجتماع دفاع می‌کند. گفتمان انقلاب اسلامی علاوه بر این مفاهیم می‌بایست از سایر مفاهیم جذاب دیگر ضد نژادگرایی و ضد جنسیت‌گرایی که گفتمان‌سازی به آن‌ها اشاره شد در مفصل‌بندی خود برای پذیرش در محیط‌های متجانس و غیرمتجانس بیشتر بهره ببرد.

۲-۲-۳. گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان اخوانی

اسلام «اخوانی» با پذیرش تساهل مدعی هماهنگی خود با مقتضیات زمان می‌باشد. اما چیزی که در عمل مشاهده می‌شود در میانه جریان سکولار غرب و نیز جریان‌هایی تندرو و سلفی مانند «القاعده»، «گفتمان اخوانی» قرار گرفته‌اند. شاخه‌ای از این جریان که امروزه در ترکیه قدرت را در اختیار دارد؛ متاثر از مدرنیته و الگوی لیبرال دموکراسی بوده و بسیاری از مفاهیم لیبرال دموکراسی را پذیرفته و بر ساختارهای سکولار غرب پایبند است. در واقع اسلام اخوانی بر جدای دین سیاست اعتقاد دارند و معتقدند اسلام باید خود را با نظام لیبرال دموکراسی هماهنگ کند (Karimi and Safi, 2014:125). در تحلیلی جامعه‌شناختی از اسلام اخوانی، همواره تناقضی بین پایبندی به اسلام و پیروی از لیبرال دموکراسی در این گفتمان مشهود است، غایت این گفتمان همکاری با آمریکا و برقراری رابطه با اسرائیل است (Rezaei Jafari et al., 2016:100). بنابراین این گفتمان

نمی‌تواند الگوی مناسبی حداقل برای محیط‌های متجانس باشد. در نهایت می‌توان گفت، گفتمان اخوانی با ادعای میانه‌روی و انعطاف‌پذیری و توجه به مفاهیمی همچون مردم‌سالاری، آزادی، پذیرش تعامل با ساختارهای نظام بین‌الملل و... توانسته از اسلام سلفی و اندیشه‌های واپسگرایانه و متحجرانه آن‌ها فاصله بگیرد و سعی به ارائه الگویی بهتر از اسلام داشته باشند. اما چیزی در عمل مشاهده شده، متفاوت است؛ این تأکید بر میانه‌روی و اعتدال باعث شده است گفتمان اخوانی با پذیرش الزامات لیبرال دموکراسی و اندیشه‌های سکولاریستی، مستضعفین را فراموش و حتی در برابر زیاده‌خواهی قدرت‌ها نیز سکوت کرده و گاهی نیز به حمایت آن‌ها بپردازند. در جای دیگر، این تفکر به گونه‌ای قابل توجه، شاهد بازگشت به رفتارهای متصلب و اسلام سلفی بوده است (Rezaei Jafari et al., 2016:101).

بنابراین گفتمان انقلاب اسلامی در راستای غیریت‌سازی از این گفتمان می‌بایست بر عناصری همچون عدالت‌طلبی، ظلم‌ستیزی، حمایت از محرومین و دفاع از مستضعفین بیشتر تأکید کند و چنین گفتمانی است که می‌تواند در محیط‌های متجانس و غیرمتجانس مورد اقبال قرار گیرد چرا که انسان‌ها همواره به دنبال عدم مسامحه با ظالمان و زورگویان بوده‌اند. همچنین از طریق برجسته‌سازی میانه‌روی و اعتدال گفتمان اخوانی بیش از پیش به افول این گفتمان بپردازد.

۳-۲-۳. گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان لیبرال دموکراسی

هر چند رقیب گفتمان انقلاب اسلامی در عمق‌بخشی خارجی ارزش‌های خود در محیط‌های متجانس، گفتمان‌های وهابیت و اخوانی بوده است؛ اما باید گفت که گفتمان لیبرال دموکراسی در محیط‌های غیرمتجانس است که به عنوان نگرش و رقیب اصلی به «غیریت» گفتمان انقلاب اسلامی تبدیل شده است. هر چند ممکن است لیبرال دموکراسی، دست آورد‌هایی مانند رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی را به ارمغان آورده باشد؛ اما همه این‌ها در اختیار تعداد محدودی و قسمت کوچکی از جوامع بشری قرار دارد. در لیبرال دموکراسی توسعه و افزایش رفاه اقتصادی به صورت گزینشی صورت می‌گیرد و نسبت به بخش زیادی از جمعیت بشریت فقر و بی‌عدالتی را روا داشته است. این در حالی است که در گفتمان انقلاب اسلامی بر خلاف گفتمان لیبرال دموکراسی، عدالت محوری که نشأت گرفته از اسلام شیعه به عنوان دال مرکزی این گفتمان بنا شده است؛ عدالت‌خواهی

در فقه سیاسی شیعه یکی از ارزش‌های اصلی و دائمی، به دنبال گسترش عدالت در کل جوامع بشریت است و آن را محدود به بخش خاصی از جوامع نمی‌کند (Rezaei Jafari et al., 2016:105). تامیلسون^۹ معتقد است، «جست‌وجوی اعمال سلطه و سیطره بر گستره جهانی از ویژگی فرهنگ غربی است که این سیطره طبیعتاً از طریق مسالمت‌آمیز محقق نخواهد شد» (Eftekhari, 2002:32).

در حالی که در گفتمان انقلاب اسلامی، اجبار و تحمیل جایگاهی در پذیرش جوامع ندارد و مبنای اقتناع و خواسته‌های معقول و فطری بشریت است؛ در نظام لیبرال دموکراسی، تلاش برای تأمین زندگی محرومان و حاکمیت عدالت اجتماعی ارزشی ندارد و آن چه اهمیت دارد، سرمایه‌داران و منافع آن‌ها است (Shirudi, 2004:108). در واقع اصل اساسی در گفتمان لیبرال دموکراسی کسب منفعت می‌باشد. این کسب منفعت تعیین‌کننده اعمال‌هاست و می‌توان دست به هرکاری زد حتی اگر این امر منجر به ظلم و نابرابری شود. در مقابل، در گفتمان انقلاب اسلامی ارزش‌های بشردوستانه و اخلاقی را فدای منفعت نمی‌کند و ظلم‌ستیز است.

گفتمان انقلاب اسلامی می‌بایست با نگاهی غیریتی به این گفتمان، نگرشی جدید را به این جامعه‌ها بازنمایی کند. در واقع گفتمان انقلاب اسلامی با غیریت‌سازی و با توجه به مفاهیمی که گفتمان لیبرال دموکراسی از آن بی‌بهره می‌باشد؛ توانایی هژمون شدن خود را افزایش دهد و ضدیت با لیبرال دموکراسی را در یک نزاع گفتمانی دنبال کند و به نفع این گفتمان در محیط‌های متجانس و غیرمتجانس برود و در برابر آن هویتی مستقل و توانا در حل بحران‌های انسان امروز ارائه کند.

گفتمان انقلاب اسلامی در غیریت بخشی از گفتمان‌های دیگر، از قاطعیت لازم برخوردار است. اصولی مانند حاکمیت الهی و توحید محوری، استکبارستیزی و دفاع از محرومان و مستضعفان، آزادی، مردم‌سالاری و جمهوریت، عدالت محوری را به مردم جهان معرفی نموده و تبعیض‌ها و نظام موجود جهانی نقد و نفی کرده است و بشریت را به مسیر اخلاق‌گرایی و معنویت‌گرایی و تشویق می‌نماید اما ناکامی بزرگ گفتمان انقلاب اسلامی در حداقل در محیط‌های غیر متجانس در مفصل‌بندی «نشانه‌های خالی» فراملی مانند ضد نژادگرایی و ضد جنسیت‌گرایی و تشکیل زنجیره‌های هم‌ارزی فراگیر بوده است که می‌بایست گفتمان انقلاب

9. Tamilson

اسلامی برای تکمیل غیریت‌سازی از گفتمان‌های رقیب خود در محیط‌های غیرمتجانس به مفصل‌بندی این مفاهیم جذاب در گفتمان خود پردازد.

۳-۳. ایدئولوژی‌سازی

در منازعات گفتمان‌ها بر سر هژمون شدن، این ایدئولوژی‌های برآمده از هویت گفتمانی است که نقش اساسی در تضعیف یا تقویت گفتمان‌ها و سقوط و صعود آن‌ها دارد. منظور از ایدئولوژی‌سازی، مجموعه تفاسیری است که به سوژه‌ها کمک می‌کند تا جهان عینی را درک نموده و در رابطه با آن عمل نمایند (Dehghani Firouzabadi, 2013:18). در واقع ایدئولوژی‌ها معانی خلق شده را به واقعیت و حقیقت تبدیل می‌کند.

علت موفقیت گفتمان نازیسم تا حد زیادی به ایدئولوژی‌سازی آن باز می‌گردد. اکثریت کسانی که پیرو گفتمان نازیسم در بیرون از مرزهای آلمان بودند، دیدگاه و جهان‌بینی نازیسم را عین حقیقت می‌پنداشتند و بر این باور بودند که جهان واقعاً آن‌گونه است که این ایدئولوژی بیان می‌کند (Haghighat, 2017:580). گفتمان نازیسم توانست با ایدئولوژی‌سازی که انجام داده بود، خود را به عنوان نوع آرمانی و نماینده کمال جلوه بدهد. علت پذیرش گفتمان نازیسم در جغرافیای داخل و خارج به علت اینکه محتوایش را دوست دارند، نبوده است؛ بلکه به این علت بود که این گفتمان خود را آخرین ایدئولوژی برای تفوق بر بحران بی‌نظمی فعلی معرفی کرده بود.

همان‌طوری که در طول پژوهش بارها اشاره شد، رقیب اصلی گفتمان انقلاب اسلامی در محیط‌های متجانس، گفتمان وهابیت و در محیط‌های غیرمتجانس گفتمان لیبرال دموکراسی می‌باشد. در خصوص محیط‌های غیرمتجانس، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و مطرح شدن گفتمان انقلاب اسلامی، یگانگی لیبرالیسم و رویای پایان تاریخ این گفتمان فرو ریخت و به تبع آن اصول، ارزش‌ها و باورهای این ایدئولوژی مورد تشکیک و تردید جدی واقع شد، به‌گونه‌ای که انگاره‌های اغلب اندیشمندان طرفدار لیبرالیسم، حتی تئوری پردازان پایان تاریخ نیز متزلزل گردید و پس از آن دیگر کسی برای لیبرالیسم و ایالات متحده آمریکا، جایگاه امپراتوری و تک‌قطبی قائل نگردید. این تنزل و افول ایدئولوژی لیبرالیسم از جایگاه پیروز تاریخ به وضعیت انفعالی امروز، پس از حضور قدرتمند ایدئولوژی اسلام سیاسی در عرصه رقابت بوده است. مزیت ایدئولوژی اسلام سیاسی نسبت به لیبرالیسم، به ماهیت

فرهنگی و افق وسیع هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی آن برمی‌گردد (Dehghani Firouzabadi, 2019:19). نکته کلیدی در خصوص ایدئولوژی‌سازی از منظر گفتمان لاکلا و موف آن است که، این یک فرآیند مستمر و دائمی است. درست است در حال حاضر در محیط‌های متجانس ایدئولوژی «وهابیت» حرفی برای گفتن ندارد و یا در محیط‌های غیرمتجانس، ایدئولوژی لیبرال دموکراسی با چالش مواجه شده است؛ اما این به معنای پایان ایدئولوژی‌سازی در گفتمان انقلاب اسلامی نباید باشد. بنابراین و از این منظر، ایدئولوژی‌سازی، به عنوان یکی دیگر از مهم‌ترین ابزارهای گفتمان لاکلا و موف باید مورد توجه خاص متولیان عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی قرار بگیرد.

۳-۴. مشروعیت‌سازی و مشروعیت‌نمایی

از نظر لغوی مشروعیت گاهی به معنای «حقانیت» و گاه به معنای «قانونیت» و گاهی به معنای «مقبولیت» و «پذیرش عمومی» است. عالی‌ترین سطح مشروعیت در برگیرنده هر سه از تعبیر از این مفهوم است (Akhavan Kazemi, 2003:79). مشروع و طبیعی‌سازی هویت‌ها و کنش‌ها در عرصه بین‌المللی و در چارچوب گفتمان حاکم و مسلط، سازوکار دیگری است که در عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی می‌توان به کار گرفت. گفتمان‌ها از طریق ایجاد رژیم‌های حقیقت و خاص و عملیاتی کردن آن‌ها، بعضی از انواع وجود، هویت و رفتار سیاسی - اجتماعی را مشروع و برخی دیگر را نامشروع می‌سازند. آن‌ها سوژه‌هایی را که مشروعیت سخن گفتن و عمل کردن بر مبنای آن را دارند، تعریف می‌کنند. همچنین، چگونگی برخورد و تعامل سوژه‌ها با ابژه‌های برساخته شده نیز در قالب گفتمان‌ها تعیین می‌شود (Dehghani Firouzabadi, 2019:22). استفاده بهینه از مفهوم مشروعیت‌سازی توسط گفتمان لیبرال دموکراسی صورت گرفته است به گونه‌ای که در این گفتمان آغاز جنگ برای اقدامات و اعمال سلطه بر سایر کشورها و ملت‌ها، مشروع و هرگونه مقاومت و مخالفت با این اقدامات نامشروع جلوه داده می‌شود (Karamat, 2014:103).

با توضیحاتی که داده شد «مشروع‌سازی» یعنی هست نشان دادن آنچه نیست از طریق سیاست‌های اغواگرانه و فریبکارانه. هرچند ممکن است سیاست اغوا و فریب در کوتاه مدت موفق به نظر برسد، اما در بلند مدت نتایج عکس و بازخوردهای منفی را به دنبال خواهد داشت. به عنوان مثال، اگرچه آمریکا در مقطع خاصی توانست با توجیه مقابله با تروریسم و

مبارزه با اشاعه تسلیحات هسته‌ای، رفتار نامشروع خود را در حمله به افغانستان و عراق مشروع جلوه دهد، اما در بلند مدت و با روشن شدن واقعیت‌ها، نه تنها رفتار آمریکا در این خصوص نامشروع جلوه نمود، بلکه به نوعی مشروعیت سایر عملکردهای حتی درست آمریکا را زیر سوال برد (Ismail Barzegar, 2016:302).

با توجه به اینکه در گفتمان انقلاب اسلامی اغوا و فریبکاری جایگاهی ندارد، توصیه می‌شود به جای مشروعیت‌سازی، از «مشروعیت‌نمایی» بهره برد. منظور از مشروعیت‌نمایی، آنچه که هست به همان‌گونه که هست باید در دسترس عاملان اجتماعی قرار گیرد. بنابراین، صرف مهیا نمودن شرایط جهت انتقال پیام و ارزش‌ها و در دسترس عاملان اجتماعی قرار گرفتن آن‌ها ملاک می‌باشد (Ismail Barzegar, 2016:306). در مشروعیت‌نمایی، مهم‌ترین اقدام برداشتن موانع موجود بر سر راه انتقال ارزش‌های اصالتاً مشروع از گفتمان به سوژه‌ها می‌باشد. بر این اساس به نظر می‌رسد متولیان عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی از این راهبرد غافل بوده و اقدام شایسته و کافی برای نمایاندن و انتقال ارزش‌های ذاتاً مشروع و مبتنی بر فطرت و وجدان بشری که می‌تواند الهام‌بخش قلب‌ها در هر دو محیط متجانس و غیرمتجانس باشد؛ صورت‌پذیرفته است.

۳-۵. اسطوره‌سازی

اسطوره‌سازی، آخرین راهبرد اتخاذ شده از گفتمان لاکلا و موف می‌باشد که می‌توان در بحث این پژوهش استفاده کرد. «اسطوره‌سازی» فرایندی است که از طریق آن، نخبگان و متولیان عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی می‌توانند، امر جزئی و خاص فرهنگی و ایدئولوژیک که مخصوص گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد را به امر عام و جهان‌شمول، طبیعی و تجربی در محیط‌های متجانس و غیرمتجانس تبدیل کند. در واقع کارکرد اسطوره‌سازی، تبدیل یک تفسیر فرهنگی به واقعیت مسلم و طبیعی است (De-ghani Firouzabadi, 2019:23).

از دیگر کارویژه‌های اسطوره‌سازی، شکل دادن به هویت گفتمان‌ها، انسجام‌بخشی هویتی و پویایی و تحرك بخشی به گفتمان است. هویت‌ها به وسیله یک اصل مشترك در گفتمان یعنی تضاد میان درون و بیرون شکل می‌گیرند. هویت فردی (سوژه)، هویت جمعی و در نهایت هویت یک گفتمان، وابسته به همین اصل مشترك است. هویت سوژه از تعارض میان دو نوع

هویت شکل می‌گیرد: نخست، هویت کمال‌یافته‌ای که فرد در افق‌های آرمانی‌اش که از ضمیر ناخودآگاه او نشأت می‌گیرد، برای خود ترسیم می‌نماید و دوم، هویتی که اجتماع به‌وسیله موقعیت‌های سوژگی برای او تعریف می‌کند. بنابراین، هویت از برخورد و تماس واقعیت‌ها با آرمان‌ها ناشی می‌شود. از این رو، سوژه همواره تلاش دارد با مرتفع نمودن موانع و به حاشیه بردن رقیبان، واقعیت‌های بیرونی را به آرمان‌های درونی‌اش نزدیک نماید. انگیزه سوژه‌های سیاسی برای روی کار آوردن گفتمان‌های جدید، از همین مسئله ناشی می‌شود. هویت‌های جمعی و گفتمانی نیز به همین ترتیب، از تضاد و تقابل میان هویت درونی با بیرون، یعنی از تضاد نظام معنایی درونی با غیرها و دشمنان بیرونی شکل می‌گیرد. اسطوره در شکل‌گیری هویت گفتمان، همان نقشی را ایفاء می‌کند که آرمان‌های ذهنی در شکل‌گیری هویت سوژه دارند (Kesraei and Shirazi, 2009:348).

به کارگیری اسطوره‌سازی در تقویت عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی یک پیش‌نیاز اساسی دارد و آن ابتدا تقابل با اسطوره‌سازی گفتمان رقیب و سپس اقدام به اسطوره‌سازی در گفتمان خود می‌بایست صورت گیرد. مقابله با اسطوره‌سازی در گفتمان رقیب را می‌توان از طریق سیاسی کردن مجدد اسطوره‌ها و برملا ساختن اسطوره‌سازی فرهنگی، جعلی بودن واقعیت و حقیقت آن‌ها را آشکار ساخت. به بیان دیگر، با توجه به اصالت نداشتن گفتمان لیبرال دموکراسی که توضیح آن در بخش غیریت‌سازی این گفتمان گذشت، برای مقابله با آن لازم است تا با برملا ساختن تناقضات موجود در بعد فرهنگی این گفتمان، اسطوره‌های آن را سیاسی نمود و چهره واقعی آن را نشان داد. غیریت‌سازی از اسطوره‌سازی گفتمان لیبرال دموکراسی را می‌توان از غیریت‌سازی اسطوره‌هایی مانند اینکه جامعه آمریکا آزاد است، یا لیبرال دموکراسی بهترین نوع نظام سیاسی است، آغاز کرد. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به اسطوره‌سازی فرهنگ مقاومت در محیط‌های متجانس و ایستادگی در مقابل ظلم و زورگویی را در محیط‌های غیرمتجانس پردازد.

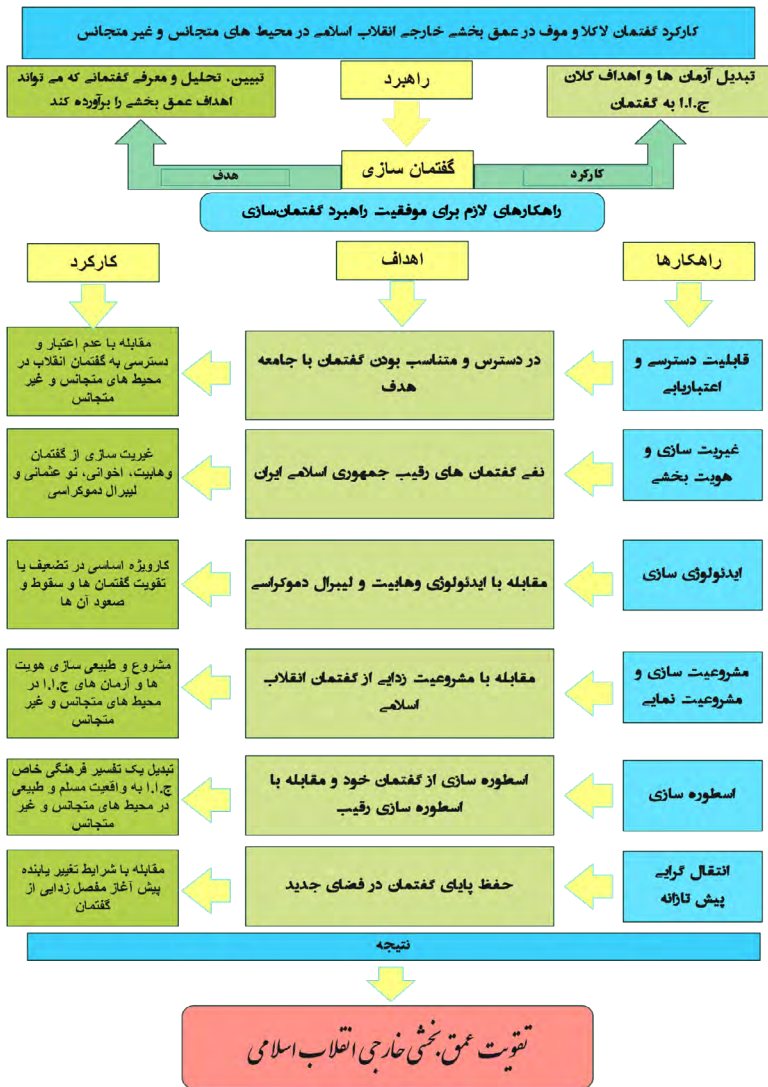
از این رو، اسطوره‌سازی در این پژوهش راهبردی مؤثر است که لازم است توسط متولیان عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی به نحو شایسته‌ای بکار گرفته شود تا فرایند تولید و بازتولید هویتی آن با کارایی بهتر و بیشتر از قبل استمرار یافته و انگیزه سوژه‌ها در این گفتمان برای مبارزه و رقابت با رقیب محیط‌های غیرمتجانس، یعنی گفتمان لیبرالیسم و نماینده میدانی آن، ایالات متحده آمریکا و محیط‌های متجانس گفتمان وهابیت به نمایندگی عربستان

سعوی، حفظ و ارتقاء یابد. در ادامه الگوی نهایی عمق بخشی خارجی براساس نظریه لاکلا و موف ارائه می‌شود:

۳-۶. انتقال گرایی پیش تازانه

یکی از مفاهیم کلیدی دیگر در گفتمان لاکلا و موف که می‌تواند در بحث گفتمان‌سازی ارزش‌های انقلاب اسلامی در محیط‌های متجانس و غیر متجانس نقش مهمی داشته باشد، «انتقال گرایی» است. انتقال گرایی راهکار است که کاربرد آن در حین و همچنین بعد از گفتمان‌سازی آشکار می‌شود. دو نوع انتقال گرایی را لاکلا و موف مورد توجه قرار داده‌اند؛ که یکی انتقال گرایی پیش تازانه و یکی هم انتقال گرایی منفعلانه می‌باشد. (Agha Hosseini, 2017:142). انتقال گرایی «پیش تازانه» به این معناست که نخبگان بعد از تثبیت معنایی گفتمان خود و در پرتو شرایط تغییر یابنده جدید و به منظور پایای قدرت خود فضایی جدید را طراحی می‌کنند تا به یمن و برکت آن بتوانند شرایط نوین را مدیریت کنند (Haghighat, 2017:584) اما زمانی که نخبگان در برابر شرایط تغییر یابنده کاری انجام ندهند و دست روی گذارند و با آغاز مفصل زدایی از گفتمان خود، دست به انتقال گرایی بزنند که اصطلاحاً لاکلا و موف از این نوع انتقال گرایی، با نام «منفعلانه» یاد می‌کنند، اظهار می‌دارند همواره نمی‌تواند قرین موفقیت شود (Agha Hosseini, 2017:143). نمونه یک انتقال گرایی منفعلانه، در دو سال پایانی رژیم پهلوی قابل مشاهده است. رژیم پهلوی متناسب با شرایط تغییر یابنده انتقال گرایی را شروع نکرد و زمانی دست به انتقال گرایی زد که غیریت‌سازها در همکاری مؤثر با انتقال گرایی وارد نشده، بستر را برای شکل‌گیری فضا های گفتمانی جدید فراهم کردند (Haghighat, 2017:585).

در مجموعه زمانی که گفتمان انقلاب اسلامی توان لازم برای پاسخ‌گویی به مطالبات جدید را نداشته باشد، می‌بایست نخبگان و متولیان امر گفتمان‌سازی، نسبت به شرایط تغییر یابنده، انتقال گرایی پیش تازانه را اتخاذ و شروع کنند و بازتعریف مرزهای سیاسی، موجودیت خود را حفظ کنند.



الگوی ۲. الگوی نهایی تقویت عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی براساس نظریه لاکلا و موف (ترسیم: نگارنده)

۴. نتیجه گیری

در این پژوهش، نگارنده با فرضیه خویش مدعی بود که گفتمان انقلاب اسلامی با ابتناء بر

نظریه گفتمان لاکلا و موف می‌تواند در محیط‌های متجانس و غیر متجانس، ضمن تثبیت هویت گفتمانی خود، صورت‌بندی گفتمانی رقبای خود را به نفع افزایش دامنه هژمونی خویش متأثر و متحول سازد.

برای اثبات مدعای فوق، نظریه گفتمان لاکلا و موف بهتر از هر رهیافت روش دیگری می‌تواند انقلاب اسلامی را تبیین و تحلیل کند و دلایل متعدد دیگری دال بر مزیت و رجحان رهیافت لاکلا و موف می‌باشد. اولین نکته‌ای که این پژوهش به آن تأکید دارد پیش‌دستی آینده نگرانه نسبت به ناکارآمدی گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد که نخبگان جمهوری اسلامی ایران می‌بایست دست به بازتولید گفتمان‌ها زنند تا تداوم آن را تضمین کنند. این نکته قلب نظریه گفتمان لاکلا و موف و این پژوهش است که گفتمان انقلاب اسلامی هیچ‌گاه بر تثبیت معنایی همیشگی اذعان نداشته باشد. در واقع از لحاظ روش‌شناسی، پذیرش تثبیت معنایی توسط گفتمان انقلاب اسلامی افتادن در دام متافیزیک حضور است. بازاندیشی مداوم گفتمان انقلاب اسلامی از این رو ضروری می‌شود که باید بتواند خود را با شرایط جدید تطبیق دهد و با حال و روز جدید جامعه موافق افتد. راهکار این پژوهش برای این موضوع ارائه راهبرد مستمر «گفتمان‌سازی» بوده است. ۶ راهکار اتخاذ شده دیگر از نظریه گفتمان لاکلا و موف که مکمل راهبرد اصلی می‌باشد، شامل: اول، قابلیت دسترسی و اعتباریابی است که علاوه بر در دسترس بودن گفتمان انقلاب اسلامی در محیط‌های متجانس و غیر متجانس، گفتمان ارائه شده در این محیط‌ها می‌بایست با اصول اساسی آن جامعه در تضاد نباشد. به حاشیه راندن گفتمان‌های رقیب در محیط‌های متجانس و غیر متجانس را از طریق راهکار دوم، یعنی غیریت‌سازی و هویت بخشی دنبال شد به گونه‌ای که نحوه غیریت‌سازی گفتمان و هابیت در محیط‌های متجانس و گفتمان لیبرال دموکراسی در محیط‌های غیر متجانس به عنوان مهم‌ترین رقبای عمق‌بخشی گفتمان انقلاب اسلامی توضیح داده شد.

سه راهکار دیگر یعنی ایدئولوژی‌سازی، مشروعیت‌نمایی و اسطوره‌سازی که همچون راهکارهای گذشته، غایبان بزرگ در سیاست‌های عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی هستند؛ هر کدام در حد و اندازه خود توانستند تکمیل‌کننده پازل عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی از منظر نظریه گفتمان لاکلا و موف باشند. شاید اهمیت هیچ راهکاری به اندازه راهکار ششم یعنی انتقال‌گرایی پیش‌تازانه نباشد. اهمیت راهکار آخر در آنجایی است که با دیر شروع کردن انتقال‌گرایی پیش‌تازانه، ممکن است نظام گفتمانی بر ساخته شده به سرعت تحت مفصل‌زدایی قرار گیرد.

شاید ابتدئاً، ادعای نگارنده در طرح فرضیه‌اش متهورانه و مبهم جلوه می‌نمود، اما پس از لایه‌برداری عمیق و دقیق معرفتی از نظریه گفتمان لاکلا و موف و نشانیدن این مفاهیم بر سفره بازخوانی و پیکرتراشی این نظریه برای تقویت عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی، الگویی بدیع و متفاوت برای تقویت عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی ارائه شد. اما محدودیت‌های این پژوهش، استکشاف و استخراج عمیق‌تر بحث‌های آن را غیرممکن کرده است که نیاز به نوشته‌های دیگر است.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Afrogh, Emad (2012) *The Islamic Revolution and the Principles of Its Reproduction*, Tehran, Sooreh Mehr Publishing Company, second edition. **[In Persian]**
- Aghahosseini, Alireza. (2017). *Discourse and Acceptance of the Other*, Tehran: Isfahan University Press. **[In Persian]**
- Akhavan Kazemi, Bahram. (2003). Concept, characteristics and methods of improving efficiency in the Islamic Republic of Iran. *Strategic Quarterly Journal*, 11(3). **[In Persian]**
- Bahrampour, Shaban Ali, (2000) *An Introduction to Discourse Analysis*, Tehran: Farhang Goftman. **[In Persian]**
- Burnham, Linda (2007) *The Dominance of Sexism in the American West*, *Western Travel Monthly*. **[In Persian]**
- Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal. (2011). Power Technologies in Soft Warfare. *Strategic Studies*, 14(1 (Issue 51)), 5-30. **[In Persian]**
- Farahani Fard, Saeed. (2005). *Economic Policies in Islam*, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. **[In Persian]**
- Firoozkouhi, Mehdi (2021), *The External Deepening of the Islamic Revolution*, Tehran: Imam Hussein University Press. **[In Persian]**
- Firoozkouhi, Mehdi (2022), *Textbook (unpublished) In-depth study*, PhD course in Regional Studies, Imam Hussein (AS) University, Tehran. **[In Persian]**
- Firoozkouhi, Mehdi, Farhadi, Farshid Mehdi, Bavandpouri. (2021). Media and Deepening the Islamic Revolution of Iran. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 3(8), 95-120. **[In Persian]**
- Hatami, Abbas. (2017). The allegory of Procrustes' bed: a framework for analyzing the challenges of the relationship between theory and reality in political science. *Journal of Politics*, 47(3), 629-646. **[In Persian]**

- Hosseini, Mohammad Ali (Beta) Some Views on National Issues, Unplaced: Without
- Howarth, D. (1991). Reflections on Ernesto Laclau's new reflections on the revolution of our time. *Politikon: South African Journal of Political Studies*, 19(1), 120-133.
- Howarth, D. (2000). *Discourse*. McGraw-Hill Education (UK).
- Jorgensen, Marian and Louise Phillips (2010) Theory and Method in Discourse Analysis, translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing House. **[In Persian]**
- Karamat, Farhad. (2014). Elements of Legitimacy in Political Systems and Religious Democracy. *Strategy*, 23(72), 99-119. **[In Persian]**
- Khalaji, Abbas, (2007), Theoretical Contradictions and Political Failure of the Reformist Discourse, PhD Thesis in Political Science, University of Tehran. **[In Persian]**
- Khani Arani, Elahe, and Barzegar, Ebrahim. (2011). The Reflection of the Islamic Revolution of Iran on Western Europe. *Islamic Revolution Studies*, 8(26), 119-144. **[In Persian]**
- Khomeini, Ruhollah (1984), *Sahifeh Noor*, 8 volumes, Tehran: Ministry of Islamic Guidance. **[In Persian]**
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (1990), *Imam's Page*, 22-volume collection, Tehran, Institute for Publishing and Editing Imam Khomeini's Works. **[In Persian]**
- Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and socialist strategy: Towards a radical democratic politics* (Vol. 8). Verso Books.
- Masoudnia, Hossein; Ghorbani, Saeed (2014), "Patterns of Exporting the Revolution in the Discourses of the Islamic Republic of Iran", *Quarterly Journal of Political Research*, No. 11, from 1 to 22. **[In Persian]**
- Motahari, Morteza (Beta) *Mutual Services of Islam and Iran*, Tehran: Sadra Publications. **[In Persian]**

- Mouffe, Chantal, (2012), *On the Political Matter*, translated by Mansour Ansari, Tehran: Rokhdad Now **[In Persian]**
- Qaderi Araei, Seyyed Mohammad Sadeq, and Esmaili, Ayatollah. (2010). Studying gender equality or justice, from the perspective of Islam and the Sunnah (2030). *Jurisprudence, Law and Criminal Sciences*, 5(16), 14-27. **[In Persian]**
- Qoreishi, Fardin. (2009). Theoretical Challenges of Political Ideologies: A Case Study of Iran. *Journal of Politics*, 39. **[In Persian]**
- Reza Sadeghi, (2019). Kant's role in promoting extreme racism in Europe, *Quarterly Journal of Philosophical Knowledge*, 17(2), 111. **[In Persian]**
- Rezaei Jafari, Mohsen, Aghahosseini, Alireza, and Alihosseini, Ali. (2016). The discourse of the Islamic Revolution of Iran and the requirements for disseminating its values in the era of globalization based on the discourse theory of Laclau and Mouffe. *Strategic Studies of Public Policy (Strategic Studies of Globalization)*, 6(20), 85-110. **[In Persian]**
- Saeed, Babi. (1990) *Fundamental Fear: Eurocentrism and the Rise of Islamism*, translated by Gholamreza Jamshidiha and Musa Anbari, Tehran: Tehran University Press. **[In Persian]**
- Tajik, Mohammad Reza. (2005). *Modern Man and the Mystery of Identity*. *National Studies*, 6(1 (21) Modernity and Identity), 9-28. **[In Persian]**
- Younes Khodaparast, (2022). Comparing the discourse of the Islamic Resistance Front and the discourse of the hegemonic system in West Asia, *Journal of Political Discourse of the Islamic Revolution*, 1(2), 90-111. **[In Persian]**